

مشروح نشست سخنگوی وزارت امور خارجه با اصحاب رسانه، ۶ بهمن ماه ۱۴۰۴

مقدمه

تحولات منطقه بسیار سیال و سریع است و هر روز شاهد رخداد‌های مهمی هستیم. آنچه قابل گذشت نیست، تعدیات و فتنه‌انگیزی‌های رژیم صهیونیستی است که ریشه اصلی آشوب‌ها در منطقه غرب آسیا است؛ چه در فلسطین اشغالی، چه در لبنان، سوریه و فراتر از آن.

علیرغم برقراری آتش‌بس ظاهری در فلسطین اشغالی و لبنان، حملات مستمر رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین در غزه، کرانه باختری و شهروندان لبنانی ادامه دارد. به عنوان نمونه، دیشب ۱۵ مورد نقض حریم هوایی لبنان اتفاق افتاد که تعدادی از شهروندان لبنانی شهید و مجروح شدند.

در یکسال گذشته از زمان آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۵ تاکنون بیش از ۶۰۰۰ مورد نقض آتش‌بس اتفاق افتاده است. در فلسطین اشغالی هم شاهد جنایات ادامه دار رژیم صهیونیستی هستیم. گزارشی را اخیراً دیده‌ام در مورد میزان قتل اعرابی که به عنوان شهروندان رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ به شمار می‌آیند. اعراب ۱۹۴۸ یا سرزمین‌های ۱۹۴۸ از سال گذشته حدود ۲۶۰ اعراب فلسطینی به قتل رسیدند و تنها در همین یک ماه گذشته بیش از ۲۰ مورد قتل ثبت شده است. این آمار نشان می‌دهد سیاست رژیم صهیونیستی در نژادپرستی حتی نسبت به کسانی که اسماً شهروندان این رژیم هستند، اما صرفاً فلسطینی و عرب هستند، نیز ادامه دارد. این نشانگر چیزی است که گزارشگر سابق شورای حقوق بشر، مایکل لینگ، در مارس ۲۰۲۲ از آن به عنوان حاکمیت آپارتاید در رژیم صهیونیستی نام برده بود.

سؤال اول:

آشوب‌های اخیر در ایران که به قتل شمار قابل توجهی از نیروهای پلیس به دست تروریست‌ها منجر شد، با اعتراض مردم مینی‌اپولیس به جنایت پلیس آمریکا و سرکوب معترضان مصادف شده است. با این سوء سابقه، آیا کاخ سفید در جایگاهی هست که با تحریف حقایق، ایران را به سرکوب معترضان متهم کند؟ و اینکه موضع وزارت امور خارجه درباره این تناقض و ریاکاری واشنگتن چیست؟

پاسخ سؤال اول:

پاسخ خیلی روشن است. اساساً جهان ما با معضلی به نام معیار دوگانه مواجه است، آن هم در فجیع‌ترین شکل. اتفاقاتی که در دو سال اخیر در فلسطین اشغالی و در همین منطقه ما افتاد و حتی منجر به برگزاری یک جلسه ساده شورای حقوق بشر نشد؛ رژیم صهیونیستی که مقام‌های آن تحت پیگرد کیفری دیوان بین‌المللی کیفری هستند و در دیوان بین‌المللی دادگستری پرونده دارند، به راحتی جابه‌جا می‌شوند و مهمان نشست‌های مهم بین‌المللی می‌شوند، اما هم‌زمان، تحت فشار و به بهانه‌های مختلف از ورود مقامات کشور ما به چنین نشست‌هایی جلوگیری می‌شود.

در رابطه با آمریکا، سابقه طولانی است. رویکرد آمریکا در قبال موضوع حقوق بشر کاملاً رویکردی مزورانه و فریبکارانه است. نیازی به گفتن من نیست؛ در اقصی نقاط دنیا شما شاهد قانون‌شکنی‌هایی که آمریکا به انحای مختلف دارد انجام می‌دهد. البته یکی از مزایایی که دولت فعلی آمریکا دارد، صداقت آن است؛ دولت آمریکا پنهان نمی‌کند که تعرض‌ها و تهدیداتش علیه سایر کشورها برای نفت و برای غارت منابع آن کشورهاست؛ خیلی صریح هم این را بیان می‌کنند، (درحالی که) قبلاً پشت واژه‌های زیبا مخفی می‌کردند.

در رابطه با اتفاقاتی که در برخی از شهرهای آمریکا در حال وقوع است، نقض فاحش حقوق بشر است. آمریکا که خودش داعیه حمایت از حقوق انسان‌ها در سایر کشورها را دارد، اول از همه باید متوجه نقض حقوق بشر و برخورد تند پلیس در این کشور باشد. من امروز بیانیه یکی از رؤسای جمهور اسبق آمریکا را در مورد همین تحولات می‌دیدم؛ بسیار گویاست. این دیگر سخن ما نیست، سخن رئیس‌جمهور اسبق آمریکاست که گفته در این چند روز، افراد از جمله کودکان توسط مأموران فدرال با پوشش ماسک وارد خانه‌ها، محل کار و خیابان‌ها شدند، این‌ها را دستگیر کردند، معترضان را دستگیر و هدف گاز اشک‌آور قرار دادند و به تلخ‌ترین شکل ممکن هدف شلیک مرگبار قرار دادند.

بنابراین، رویکردی که آمریکا در رابطه با تجمعات مسالمت‌آمیز در ایران که بعد به خشونت کشانده شد اتخاذ کرد، در ادامه همان جنگ روانی و رسانه‌ای است که دولت آمریکا ید طولایی در آن دارد و اولین بار نیست که در رابطه با ایران چنین رویکرد مزورانه‌ای را اتخاذ می‌کند.

سؤال دوم:

شاهد یک‌سری تحرکات نظامی آمریکا در منطقه هستیم و از طرف دیگر شاهد برگزاری رزمایشی هستیم که بین آمریکا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس آغاز شده است. در این خصوص می‌خواستم نظر ایران را درباره این اقداماتی که صورت گرفته بدانم.

پاسخ سؤال دوم:

واقعیت این است که ما با یک جنگ ترکیبی مواجه بودیم و هستیم. در ادامه تعرض نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی در خرداد ماه گذشته، در این چند ماه ما هر روز با ادعای جدید یا تهدید جدید از ناحیه آمریکا و رژیم صهیونیستی مواجه بودیم. کشورهای منطقه به خوبی به این امر واقف هستند که هرگونه ناامنی در منطقه، هدفش فقط ایران نیست؛ ناامنی مسری است و به همین دلیل هم هست که دغدغه مشترکی در بین کشورهای منطقه وجود دارد. اساساً هر کشوری که قائل به حرمت‌گذاری نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی و حقوق بین‌الملل باشد، حتماً باید نسبت به تهدیدهای آمریکا علیه کشورهای دیگر موضع روشنی بگیرد. جمهوری اسلامی ایران هم نسبت به توانمندی‌های خودش اطمینان دارد، هم تجربه‌های قبلی، از جمله تجربه نبرد قهرمانانه خرداد ماه را در ذهن دارد و توانمندتر از هر زمانی، قطعاً به هرگونه تعرضی پاسخی فراگیر و پشیمان‌کننده خواهد داد.

سؤال سوم:

سؤال من را همکاران پرسیدند، ولی من می‌خواستم نظر حضرت‌عالی را در رابطه با اظهارات رئیس‌جمهور فرانسه و اظهارات اخیرشان در رابطه با ایران بدانم؛ اینکه امروز فکر می‌کنم گفتند ما نمی‌خواهیم با ایران درگیر بشویم، ولی از طرف دیگر اقدامات خصمانه‌ای را علیه ایران در پیش گرفته‌اند. در این زمینه اگر توضیحی دارید، بفرمایید.

پاسخ سؤال سوم:

من فکر می‌کنم سیاست‌ورزی با رد و بدل کردن پیامک‌های خصوصی که هیچ اطمینانی هم در مورد حفظ آن نیست، انجام نمی‌شود. کشورها باید عملکردی مسئولانه در قبال تحولات بین‌المللی داشته باشند و اعتبار خودشان را بی‌جا مصرف نکنند. آن گزاره‌ای که در این پیامک خصوصی با رئیس‌جمهور آمریکا استفاده شده بود، از نظر ما مبهم است و خیلی هم به آن وقعی نمی‌گذاریم. در عین حال، قاعدتاً در چنین مواردی عرف دیپلماتیک این است که طرف مربوطه توضیح بدهد که منظور چه بوده، اما این را به خوبی می‌دانیم و ملت ایران به خوبی می‌داند که دوره‌ای که قدرت‌های خارج از منطقه بخواهند به این شکل درباره کشورهای دیگر صحبت بکنند، خیلی وقت است که گذشته است. پاسخ چنین پیامکی را هم دیدیم که به چه شکل تحقیرآمیز داده شد.

سؤال چهارم:

آیا بعد از جنگ دوازده‌روزه که به هر حال ما شاهد تهدیدات آمریکا بیشتر از گذشته بودیم، رایزنی و همکاری بین کشورهای روسیه و چین با ایران وجود داشته؟ یعنی تغییرات محسوسی، مخصوصاً در حوزه دفاعی داشتیم یا خیر؟

پاسخ سؤال چهارم:

روابط ما با هر دو کشور روسیه و چین، روابطی دیرپا مبتنی بر احترام و منافع متقابل است. همکاری‌های دفاعی ما با هر دو کشور، همکاری‌هایی با سابقه طولانی است. ما موافقت‌نامه‌های بسیار مهمی با این دو کشور داریم؛ هم با چین موافقت‌نامه بلندمدت داریم که مبنا یا یکی از مهم‌ترین مبناهای روابط دوجانبه ماست، و با روسیه ما موافقت‌نامه جامع شراکت راهبردی داریم که از جمله نکاتی که در آن هست، همکاری در زمینه دفاعی است. قطعاً این همکاری‌ها، این مراودات، تماس‌ها و رایزنی‌ها با قوت تمام ادامه پیدا خواهد کرد. روسیه و چین دو عضو مهم شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند و حتماً نسبت به مسئولیت‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در قبال صلح و امنیت بین‌المللی دغدغه‌مند هستند. در رابطه با تحولات اخیر هم ما با هر دو کشور در تماس نزدیک هستیم.

سؤال پنجم:

مدیرکل آژانس در یکی از اظهارات‌شان بیان کردند که ایران باید وارد تعامل با آژانس شود و اگر وضعیت کنونی ادامه‌دار باشد، مجبور خواهیم شد عدم پایبندی ایران به تعهداتش را اعلام کنیم. موضع وزارت امور خارجه نسبت به این اظهارات چیست؟ و اینکه ایشان ادعا کردند که در چند روز یا چند هفته آینده با آقای عراقچی دیدار می‌کنند؛ در این خصوص چه رایزنی با ما صورت گرفته است؟

پاسخ سؤال پنجم:

باید از آقای گروسی پرسید کدام عدم پایبندی؟ شما یک کشوری را به من نشان بدهید که به اندازه ایران نسبت به تعهداتش پایبند بوده باشد. آیا اینکه امکان دسترسی به مراکز آسیب‌دیده ما فراهم نیست، مقصر ایران است یا مقصر طرف‌هایی هستند که حقوق بین‌الملل را نقض کردند و چنین جنایتی را در معرض به مراکز هسته‌ای ایران مرتکب شدند؟ و اساساً این سؤال را باید آقای گروسی جواب بدهد که آیا در رابطه با زرسی از مراکز آسیب‌دیده شیوه‌نامه مشخصی وجود دارد یا نه؟ اتفاقاً باید خیلی ممنون ایران باشند که ایران با مسئولیت‌شناسی تلاش کرد چنین شیوه‌نامه‌ای را تدوین بکند. ما این کار را انجام دادیم، تفاهم‌نامه‌ای در قاهره تصویب شد؛ کدام طرف‌ها باعث شدند که این تفاهم به نتیجه نرسد و ابتر بماند؟ آقای گروسی باید حتماً طرف‌هایی را که مسبب این وضعیت هستند مخاطب قرار بدهد. اینکه مدام گزاره‌هایی را در مورد ایران تکرار بکند، فکر نمی‌کنم نتیجه‌بخش باشد. ما به عنوان عضو آژانس در تماس مستمر با مقامات آژانس و با خود آژانس هم از طریق نمایندگی‌مان در وین هستیم. در رابطه با نکته‌ای که گفتید قرار بوده دیداری انجام بشود، باز این را باید مدیرکل جواب بدهد؛ آیا ما باعث شدیم که این دیدار صورت نگیرد؟ قرار بر این بود، درخواستی مطرح شده بود که در حاشیه اجلاس داووس با وزیر محترم

امور خارجه دیدار بکنند. ما هیچ وقت ابایی نداشتیم از اینکه حرف‌های طرف‌های مقابل را بشنویم. البته که بحث‌های فنی مرتبط با همکاری ایران و آژانس بر عهده سازمان انرژی اتمی است، اما از حیث اینکه گفت‌وگویی اتفاق بیفتد، ما مشکلی نداشتیم. اما دیدید که این فرصت دیپلماتیک هم با کارشکنی طرف‌های غربی، مشخصاً میزبان - که گفته می‌شود تحت فشار برخی از جریان‌های جنگ‌طلب آمریکایی و رژیم صهیونیستی بوده - از دست رفت.

البته برای ما قابل پذیرش نیست کشوری مثل سوئیس با سابقه بی‌طرفی، همزمان که میزبان مقامات رژیم صهیونیستی است - طرف‌هایی که رسماً - نه فقط در رسانه - بلکه رسماً در دیوان‌های بین‌المللی متهم به ارتکاب نسل‌کشی هستند - میزبان آن‌ها باشد، ولی صرفاً بر اساس فشار همان طرف‌ها، میزبانی وزیر امور خارجه ایران را لغو کند. قاعدتاً همه می‌توانند تشخیص بدهند که دلیل این امر این بود که نمی‌خواستند حرف ایران به گوش جامعه بین‌المللی برسد. ما البته از ابزارهای دیگرمان استفاده می‌کنیم برای اینکه حرف‌مان را برسانیم، ولی اصرار طرف‌های غربی بر اینکه روایت یک‌سویه را به دنیا منتقل بکنند، خودش بسیار معنادار است.

سؤال ششم:

سؤال من درباره جلسه جمعه گذشته شورای حقوق بشر است که در آن انگلیس و آلمان قطعنامه ضدایرانی را مطرح کردند و با ۲۵ رأی به تصویب رسید. در این خصوص می‌خواستم موضع وزارت امور خارجه درباره این قطعنامه را بدانم.

پاسخ سؤال ششم:

این قطعنامه همان‌طور که اشاره کردید، خودش باعث شکاف در جامعه بین‌المللی شد؛ به این معنا که دو کشور غربی که این قطعنامه را پیشنهاد کردند، آلمان و انگلیس، در شورای حقوق بشر و با ارائه مجموعه‌ای از گزارش‌های جعلی، دروغ و اغراق‌آمیز درباره تحولات، سعی کردند جامعه جهانی را مجاب بکنند به پذیرش روایتی وارونه از آنچه که در ایران اتفاق افتاده است. در عمل، نزدیک به نیمی از کشورهای عضو شورای حقوق بشر، یعنی ۲۲ عضو، یا رأی منفی دادند یا ممتنع دادند و یا اساساً در این رأی‌گیری شرکت نکردند و این فکر می‌کنم پیام مهمی داشت. من جا دارد از این سخنگاه استفاده بکنم برای تشکر از کشورهایی که مسئولانه تشخیص دادند، نسبت به واقعیت بی‌تفاوت نبودند و رأی منفی به این قطعنامه دادند، و همین‌طور طرف‌هایی که تصمیم گرفتند با رأی ممتنع، عدم همراهی خودشان را با این رویکرد سیاست‌زده کشورهای غربی نشان بدهند. البته ما از برخی از این کشورها حداقل انتظار داشتیم که رأی‌شان رأی منفی باشد، ولی به هر حال همین که همراهی نکردند با این رویکرد دوگانه چند کشور غربی و اجازه ندادند که رأی آن‌ها مورد مصادره قرار بگیرد برای یک اقدام ایدئولوژیک علیه ملت ایران، جای تشکر دارد.

سؤال هفتم:

سؤال من از خدمت‌تان در خصوص اقدامی است که پارلمان اروپا انجام داد و سپاه پاسداران و برخی از مقامات ایران را در فهرست تروریستی قرار داد. سوالم این است که این اقدام برای ایران چه مفهومی دارد و با توجه به تجهیزاتی که ایالات متحده وارد منطقه کرده و اقدامی که اروپا در خصوص سپاه پاسداران انجام داده، احتمال وقوع یک درگیری نظامی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ سؤال هفتم:

شما دو سؤال متفاوت مطرح کردید. من در مورد اول، یعنی بحث قطعنامه پارلمان اروپا و تهدید به اینکه سپاه پاسداران را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهند، توضیح می‌دهم. این اقدام در تهدید به برچسب‌زنی به بخشی از نیروهای مسلح رسمی یک کشور، هم خلاف اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است، هم غیرمنطقی و هم از لحاظ سیاسی بسیار غیرمسئولانه و پرتبعات است. شاعر می‌گوید: «کی شود دریا ز پوز سگ نجس»؛ از این جهت عرض کردم که صرف برچسب‌زنی به نهادی که برآمده از متن مردم ایران است، نهادی که مسئولیت صیانت از یک ملت را بر عهده دارد، امنیت خلیج فارس را عهده‌دار است و بزرگ‌ترین نقش را در مبارزه با تروریسم داعشی ایفا کرده، عملی سخیف و غیرمنطقی است.

قاعداً جمهوری اسلامی ایران حق خود را می‌داند که متقابلاً اقدام بکند. در نظر بگیرید اگر هر کشوری خودسرانه و بدون هیچ مبنایی تصمیم بگیرد که بخشی از یک کشور یا بخشی از نهادهای رسمی آن کشور را با برچسب یا وصف توهین‌آمیز تخریب کند، و این عمل ادامه پیدا کند، ما با تکثیر گروه‌های تروریستی مواجه خواهیم شد و می‌توان حدس زد که در چنین شرایطی چه اتفاقی برای نظم و امنیت منطقه خواهد افتاد. این رویکرد، متأسفانه توسط آمریکا بنا نهاده شد و برخی کشورها نیز بدون توجه به تبعات چنین اقدامی، صرفاً برای خوشایند آمریکا و رژیم صهیونیستی سعی در دنباله‌روی داشتند. این عمل قطعاً محکوم است و ما امیدواریم که کشورهای عاقل‌تر اروپایی مراقب باشند که به دام وسوسه‌های شیطانی طرف‌های غیراروپایی برای چنین اقدامی نیفتند.

سؤال هشتم:

در خصوص انتقال عناصر داعش از سوریه به عراق، یعنی زندانیان داعش و خانواده‌های آن‌ها، که به نظر می‌رسد بین عراق و آمریکا توافقی صورت گرفته، نظر وزارت امور خارجه در خصوص این تهدید امنیتی چیست؟

پاسخ سؤال هشتم:

به صورت اصولی، ما به تصمیم‌های دولت عراق احترام می‌گذاریم. اعتقاد داریم که مراجع تصمیم‌گیر عراق حتماً خیر و صلاح این کشور را تشخیص می‌دهند و بر اساس ملاحظات که از نظر خودشان منطقی است و به خیر و صلاح امنیت عراق است، چنین تصمیمی اتخاذ شده است. در عین حال، نمی‌توانیم نگرانی خودمان را پنهان کنیم از اینکه طرف‌های بیگانه، از جمله آمریکا، بارهای جدیدی از معضلات امنیتی و تهدیدات جدیدی را بر عراق و بر منطقه تحمیل کنند. خون ایرانیان و عراقی‌ها در مبارزه با پدیده داعش با هم ممزوج شده و ما برای ریشه‌کنی این پدیده، هم ایران و هم عراق، هزینه بسیار هنگفت انسانی و مادی پرداخت کرده‌ایم. بنابراین هم ما و هم عراق و همه کشورهای صلح‌دوست منطقه باید مراقب باشند که تصمیم‌های طرف‌های ثالث نتواند باعث رشد یا ظهور مجدد افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه ما شود. حتماً مراجع ذی‌ربط دو کشور با یکدیگر در ارتباط هستند تا اطمینان حاصل شود که این موضوع به هیچ عنوان خدشه‌ای به امنیت عراق یا ایران وارد نکند.

سؤال نهم:

در خصوص تشکیل شورای موسوم به «شورای صلح غزه» و دعوت از تعدادی از کشورها برای عضویت، و همچنین دیدگاه‌های متفاوت و متعارضی که در این رابطه مطرح شده است، لطفاً ارزیابی و موضع وزارت امور خارجه در این خصوص را بیان بفرمایید.

پاسخ سؤال نهم:

هر طرحی که به هر نحوی حق بنیادین مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت را متأثر نکند یا به تعویق بیندازد، از نظر ما مردود است و به نتیجه نخواهد رسید. ضمن اینکه در نظر داشته باشیم ایجاد تشکیلاتی که به اذعان خیلی از کشورها، از جمله کشورهای اروپایی، به نوعی موازی‌سازی برای سازمان ملل متحد است، صرفاً باعث تضعیف سازمان ملل متحد و نهادهای برآمده از آن خواهد شد. نهادی که مبتنی باشد بر رأی و نظر شخصی یک فرد یا یک دولت، قاعداً نمی‌تواند تأمین‌کننده مصالح کل جامعه بین‌المللی باشد.

در مورد این تشکیلات، سؤال و ابهام فوق‌العاده زیاد است. مهم‌ترین ابهام، همان‌طور که عرض کردم، این است که آیا ما به سمت ایجاد یک نظام قیمومیت جدید برای فلسطین می‌رویم؟ حق و حقوق فلسطینی‌ها چه می‌شود؟ و به هر حال چه تأثیراتی این نهاد یا تشکیلات جدید — که واقعاً نمی‌توان آن را تشکیلات نامید — بر نظم و نظامات بین‌المللی خواهد داشت؟ بسیاری از کشورها در این مورد حداقل دچار ابهام جدی هستند. به طور خاص، مهم‌ترین مسئله در رابطه با موضوع غزه این است که حق و حقوق فلسطینی‌ها و حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین، به نظر می‌رسد که دارد به وجه‌المصالحه یک فعالیت تجاری تبدیل می‌شود.

سؤال دهم: آقای عراقچی اخیراً در توییتی اشاره کردند که علی‌رغم اینکه زیاده‌طلبی ترامپ در گرینلند غیرقانونی و خلاف قوانین بین‌المللی است، نوشتند: «اگر قاره‌ای مستحق بی‌قانونی است، آن قاره اروپاست.» این توییت آقای عراقچی واکنش‌های زیادی داشت، هم مثبت و هم منفی. می‌خواستم توضیح در خصوص موضع‌گیری ایشان داشته باشم.

پاسخ سؤال دهم:

به نظرم موضوع خیلی روشن بود. ببینید، در رابطه با موضوع گرینلند، موضع ما روشن است؛ همان‌طور که قبلاً عرض کردم، احترام به حاکمیت ملی کشورها و احترام به تمامیت سرزمینی کشورها یک اصل است و اگر استثنا قائل شوید، قطعاً نمی‌توانید در سایر موارد موضع اصولی خودتان را ابراز کنید و دچار تناقض خواهید شد. این مشکلی است که کشورهای غربی به شدت با آن مواجه هستند. اخیراً صحبت‌های نخست‌وزیر کانادا هم اعتراف به این داشت که از حقوق بین‌الملل به صورت گزینشی استفاده شده و اینکه خودشان مقرر و معترف هستند به اینکه اشتباهی انجام داده‌اند. نکته‌ای که آقای دکتر عراقچی مطرح کردند، این بود که طرف‌های اروپایی متنبه شوند؛ اعمال معیارهای دوگانه در رابطه با اصول و مبانی منشور ملل متحد، ضررش متوجه خود آن کشورها خواهد شد. ممکن است تا مدتی بتوانند از طریق این معیارهای دوگانه منافی را تأمین کنند، ولی نهایتاً دود این کارها به چشم خودشان خواهد رفت. کما اینکه سکوت‌شان در رابطه با خیلی از موضوعاتی که در منطقه ما و در رابطه با ایران اتفاق افتاده، از جمله مباحث مرتبط با هسته‌ای، به نوعی باعث انباشت قانون شکنی و ترویج بی‌حرمتی نسبت به اصول و مبانی حقوق بین‌الملل شد. به جایی رسیده‌ایم که اکنون خود اروپا در معرض تهدید حاکمیت یکی از کشورهایش است.

سؤال یازدهم:

چارچوب هماهنگی شیعیان عراق گویا آقای نوری مالکی را به عنوان نخست‌وزیر به پارلمان عراق معرفی کرده‌اند. در ارتباط با این انتخاب حرف و حدیث‌های زیادی مطرح می‌شود، از جمله نزدیکی ایشان به ایران. امروز هم خبری منتشر شد که آقای روبیو، وزیر خارجه آمریکا، تماسی با آقای السودانی داشتند و از این انتخاب اظهار نگرانی کردند و گفتند که آقای نوری مالکی نزدیک به ایران است. می‌خواستم نظر ایران را در ارتباط با این انتخاب و این روند بدانم.

پاسخ سؤال یازدهم:

ممکن است این‌ها مدتی بعد بگویند عراق همسایه ایران است! یعنی دور از ذهن ندانید که بعد از یه مدت بگویند عراق به دلیل همسایگی با ایران باید فلان کار را انجام دهد. مگر می‌توانید به جغرافیا و فرهنگ و پیوندهای دیرینه دو ملت و دو کشور متعرض شوید.

ببینید، من تأکید می‌کنم که ما برخلاف آمریکا مصمم هستیم که احترام بگذاریم به تصمیم ملت عراق. این یک سیاست اصولی است. آنچه که در رابطه با حکمرانی در عراق اتفاق می‌افتد، از جمله انتخابات و اینکه چه کسی رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر شود، منحصرأ در صلاحیت مردم عراق است. باید اجازه داد مردم عراق، آنگونه که خودشان می‌پسندند و مصالح خود را تشخیص می‌دهند، در مورد تاسیس دولت و نحوه حکمرانی خود تصمیم‌گیری کنند. مداخله در امور داخلی کشورهای منطقه، متأسفانه، تبدیل به عادت زشت مقام‌های آمریکایی شده و این قطعاً از جانب هیچ ملت و هیچ کشوری پذیرفته نیست.

سؤال دوازدهم:

درباره سفر آقای عراقچی به داووس که دولت سوئیس دعوت ایشان را پس گرفت، در حالی که احتمال می‌رفت گفتگوی میان ایران و آمریکا در آنجا برگزار شود، و همزمان دولت سوئیس میزبان دولت اسرائیل شد و یک تریبون یک‌طرفه به آن اختصاص داد، می‌خواستم نظرتان درباره این اتفاقات بدانم.

پاسخ سؤال دوازدهم:

این از جمله همان تناقض‌های آشکاری است که ما با آن مواجه هستیم. ما البته دوست نداریم اعتبار و جایگاه کشورهایی که همیشه سعی کرده‌اند نقش مثبتی در دیپلماسی بین‌المللی ایفا کنند، زیر سؤال برود. ما رابطه دوجانبه محترمانه‌ای با سوئیس داریم و در خیلی از برهه‌ها سوئیس نقش بسیار مثبتی در رابطه با مسائل دیپلماتیک موجود در منطقه ما، از جمله مسائلی که بین ما و آمریکا وجود داشته، ایفا کرده است. سوئیس حافظ منافع آمریکا در تهران است.

بنابراین، نکته‌ای که عرض می‌کنم، به هیچ عنوان نباید تلقی شود به عنوان تعرض به روابط دوجانبه ما با سوئیس. اما خوب، این سؤال در اذهان عمومی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد که چگونه متولیان مجمع جهانی اقتصاد تحت فشار طرف‌های جنگ‌طلب، طرف‌هایی که اصولاً هیچ باوری به تعامل و گفت‌وگو ندارند، قرار گرفتند. وزیر خارجه سوئیس در سخنرانی خود اعلام کرد که این اجلاس داووس در واقع تلاشی در جستجوی معنا بوده و بیشتر از هر زمانی ما نیازمند گفت‌وگو هستیم. این صحبت‌ها با عملکردشان سازگاری ندارد. این سؤال مطرح است

که کدام طرف‌ها از کارشکنی در مسیر هرگونه فرصتی برای دیپلماسی نفع می‌برند؟ به نظر ما، هم رژیم صهیونیستی و هم برخی از طرف‌های رادیکال و جنگ‌طلب در سامانه حکمرانی آمریکا، که مشخص شد با ارسال نامه به برگزارکنندگان داووس تهدید کرده بودند که در صورت حضور آقای دکتر عراقچی، شما را تحریم می‌کنیم، طرف‌هایی هستند که جز به تقابل و درگیری نمی‌اندیشند و هیچ باوری به دیپلماسی ندارند.

سؤال سیزدهم:

وزیر خزانه‌داری آمریکا در حاشیه اجلاس داووس درباره اقداماتی که آمریکا علیه کشورمان انجام داده، گفته است که ترامپ به وزارت خزانه‌داری و دفتر کل دارایی‌ها دستور داده تا فشار حداکثری را به ایران اعمال کنند، تا با فروپاشی اقتصاد ایران، مردم به خیابان‌ها بیایند. به روشنی گفته که این کار نتیجه داده و در واقع بدون شلیک گلوله به اهداف خود رسیدیم. واکنش شما به این اظهارات چیست؟

پاسخ سؤال سیزدهم:

این اعترافی است به خباثت. در این یک سال اخیر، از این دست اعتراف‌ها کم نداشتیم؛ اعتراف و ابراز خوشحالی از تجاوز نظامی به ایران، ابراز خوشحالی از حمله به تاسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و اکنون هم ابراز خوشحالی از اینکه تحریم‌های ظالمانه آن‌ها، تروریسم اقتصادی‌شان، به زعم خودشان نتیجه‌بخش بوده است. اینکه مقامی در این سطح اعتراف می‌کند به ارتکاب جنایت علیه بشریت، چون واقعاً تحریم‌های آمریکا علیه ملت ایران، بر اساس هر معیاری که در نظر بگیریم و به دلیل نقض فاحش حقوق شهروندان ایرانی، جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود، قابل تأمل است. این‌ها مستنداتی است که قطعاً توسط ما جمع‌آوری خواهد شد. این‌ها گواهی، نشانه و ادله‌ای است برای اثبات هم کینه‌توی آمریکا نسبت به تک‌تک ایرانیان و هم مستنداتی است که در هر دادگاه صالحی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد برای پاسخگو کردن طرف‌های آمریکایی.

سؤال چهاردهم:

خبرهایی وجود دارد مبنی بر اینکه آمریکا برای مقابله با نفوذ ایران، عراق را تهدید به اعمال تحریم کرده، حال آنکه همزمان کارزار هدفمندی را نیز برای ارعاب کشورهای آمریکای لاتین دنبال می‌کند تا آن‌ها را علیه حزب‌الله، حماس و سپاه پاسداران وادار به موضع‌گیری کند. نظر شما درباره این موضوع چیست؟

پاسخ سؤال چهاردهم:

ببینید ایران چقدر بزرگ است؛ از یک طرف مدعی می‌شوند که ایران تضعیف شده، از طرف دیگر هر کجا نگاه می‌کنند، دچار توهم می‌شوند که گویا ایران در آنجا حضور دارد و نفوذ دارد. این اعترافی است به شکوه ایران. از

طرف دیگر، همزمان، این بهانه‌ای است برای اعمال فشار علیه کشورهای مستقل. هدف یکسان‌سازی کل دنیاست؛ هدف ایجاد یک دیکتاتوری جهانی است تا هیچ کشوری جز در مسیر تأمین منافع آمریکا نباشد. در رابطه با سؤال قبلی هم عرض کردم، دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه، از جمله عراق، نقض فاحش همه معیارها و موازینی است که جامعه بین‌المللی بر اساس آن بنا شده و قطعاً هیچ کشور عزتمند و هیچ کشوری که برای حاکمیت ملی خودش ارزش قائل باشد، چنین مداخلاتی را نمی‌پذیرد، چه در منطقه ما باشد و چه در منطقه آمریکای لاتین.

سؤال پانزدهم:

علی‌رغم برخورداری ونزوئلا از سامانه‌های پدافندی اس ۳۰۰ و سوخو، این کشور در مقابله با عملیات نیروهای واکنش سریع ایالات متحده ناکام ماند. برخی از تحلیلگران این ناکامی را به هماهنگی پنهان روسیه با آمریکا برای دستگیری رئیس‌جمهور ونزوئلا نسبت می‌دهند. با توجه به اشتراکات دفاعی و راهبردی ایران و روسیه، تحلیل شما در رابطه با ریشه‌های این شکست و پیامدهای احتمالی آن برای امنیت ملی ایران چیست؟

پاسخ سؤال پانزدهم:

ببینید، آمریکا نشان داده که هر جا فشاری علیه کشورها وارد می‌کند، در کنار آن یک پیوست رسانه‌ای و جنگ روانی بسیار فراگیر راه می‌اندازد تا کشورها را نسبت به همدیگر بدگمان کند و کشورهایی که دارای رابطه دوستانه‌ای با هم هستند را دچار شک و تردید نسبت به روابطشان نماید. لذا همه این گمانه‌زنی‌هایی که مطرح می‌شود، در حد گمانه‌زنی است. خیلی وقت‌ها اگر منابع را بررسی کنید، می‌بینید منابع کاملاً مرتبط با طرف‌های آمریکایی و غربی هستند. اما آنچه برای ما مهم است این است که ما همیشه گفته‌ایم «علاج در وطن است».

سؤال شانزدهم:

پنتاگون نقشه راه جدیدی را مبتنی بر دکترین جیمز مونرو منتشر کرده است. در نگاه کلان، ارزیابی ایران از این نقشه راه چیست؟ نکته‌ای که وجود دارد این است که ۱۳ مرتبه مشخصاً به اسم ایران اشاره شده، مدعی شدند که ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای است، و از طرف دیگر مدعی شدند که ایران به دنبال مذاکره نیست. البته آقای دونالد ترامپ هم با همین کلید واژه در داووس موضع‌گیری داشت. ارزیابی تهران از این سند و رویکرد آن در قبال ایران چیست؟

پاسخ سؤال شانزدهم:

این سند را جدای از رویکردها و سیاست‌های آمریکا در قبال کل منطقه و جمهوری اسلامی ایران نباید دید، (بلکه) بخشی از همان سامانه فکری است که از دهه‌ها قبل به دنبال ایران‌هراسی است؛ به دنبال معرفی ایران به عنوان

مشکل منطقه است. از این جهت، هیچ مبنای واقعی ندارد، جز همان تخیلات و توهمات که در گذر زمان در ذهن خود نهادینه کرده‌اند و سعی دارند به خورد منطقه بدهند. اما منطقه خیلی خوب واقف است نسبت به این واقعیت که خطر اصلی و واقعی از ناحیه رژیم صهیونیستی است، و اتفاقات دو سه سال گذشته هم شاهد این وضعیت بوده است.

سند دچار تعارض است؛ اینکه اصرار می‌کند ایران نباید به دنبال سلاح هسته‌ای باشد، می‌تواند همواره افتخار کنند که ما مانع از تسلیحات هسته‌ای ایران شدیم، چیزی که وجود نداشته است. جمهوری اسلامی ایران هم بر اساس گزارش‌های آژانس و هم بر اساس دکترین دفاعی، هیچ‌وقت دنبال تسلیحات هسته‌ای نبوده است. به همین دلیل، اقداماتی که علیه تاسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران انجام شد، اقدامی مطلقاً غیرقانونی و جنایتکارانه بوده و طرف‌های آمریکایی باید پاسخگو باشند. در رابطه با کلیت سند و منطقه هم، محور اصلی آن اطمینان از امنیت رژیم صهیونیستی است، به قیمت تفرقه‌انگیزی بین کشورهای منطقه و تلاش برای ایجاد اختلاف بین کشورهای همسایه که با توجه به روندهایی که شاهد آن هستیم، این تلاش‌ها حتماً محقق نخواهد شد.

سؤال هفدهم:

یکی از رسانه‌های رژیم صهیونیستی مدعی شده است که اطلاعات و گزارش‌های ارسالی از اسرائیل به آمریکا با شک و ظن بسیار شدید (excessive suspicion) از ناحیه هیات حاکمه آمریکا، به ویژه استیو ویتکاف و جرد کوشنر مواجه است و گلایه کرده است که استیو ویتکاف به مثابه واسطه بین ایران و آمریکا عمل کرده است و مانع از حمله آمریکا به ایران شده است. همچنین ادعا کرده است که من دقیقاً نقل قول می‌کنم ویتکاف یک پیام واتساپی از وزیر خارجه عباس عراقچی، به همراه یک تضمین کتبی از رئیس جمهور پزشکیان به ترامپ داد تا او را ترغیب به تعویق حمله به ایران کند. آیا این ادعاها را تایید می‌کنید؟

پاسخ سؤال هفدهم:

به همان گزاره‌هایی که خودتان اشاره کردید ارجاع می‌دهم: وقتی طرف آمریکایی، که دوست صمیمی رژیم صهیونیستی است، اذعان می‌کند که گزارش‌ها و اطلاعات تولید شده توسط اسرائیل باید با احتیاط و تردید شدید (excessive suspicion) بررسی شود، چگونه برخی رسانه‌های ما این گزارش‌ها را به راحتی ترویج می‌کنند؟

مطلقاً این ادعایی که مطرح شده، صحت ندارد و دروغ است؛ در ادامه دروغ‌پردازی‌هایی است که رژیم صهیونیستی و رسانه‌های وابسته به آن در رابطه با موضوعات ایران انجام می‌دهند. اما نکته مهم در این گزارش، دشمنی رژیم صهیونیستی با هرگونه تعامل و دیپلماسی است. مشخص است که یکی از منابع اصلی تولید اطلاعات جعلی و فیک‌نیوز همین رژیم صهیونیستی است.

مثلاً در روز ۲۵ دی ماه خبری مطرح شد که ایران قرار است ۸۰۰ و چند انسان را اعدام کند؛ ما که در اینجا زندگی می‌کنیم، می‌دانیم که این دروغی بزرگ است. اما بر اساس همان جمله هیتلر که گفته بود «دروغ هرچه بزرگ‌تر، احتمال باوراندنش به مخاطب بیشتر است»، این‌ها به هر حال منابعی دارد، این منابع، به صورت آگاهانه و نظام‌مند، درصدد تزریق اطلاعات و گزارش‌های دروغ به کسانی هستند که فکر می‌کنند می‌توانند در تصمیم‌گیری سطح بالای آمریکا نقش داشته باشند. این کار، بسیار خباثت‌آمیز و خطرناک است، زیرا می‌تواند منجر به اشتباه محاسباتی‌های پرتبغات شود.

سؤال هجدهم:

البته در بخش پایانی جواب‌تان بخشی از سؤال من را پاسخ دادید، اما در دو هفته اخیر، ادعای اصلی مقام‌های ارشد آمریکا، به ویژه شخص رئیس‌جمهور این کشور، در رابطه با مسائل داخلی ایران مطرح شد که کذب بودن آن برای ما که در ایران زندگی می‌کنیم کاملاً آشکار است؛ یکی در مورد تسخیر دومین شهر بزرگ ایران بود و دیگری درباره بحث اعدام ۸۰۰ ایرانی، منظورشان همان آشوبگران می‌تواند باشد. احتمالاً این دروغ‌پردازی از سوی دولت آمریکا برای مداخله بیشتر در ایران صورت گرفته است. لطفاً بفرمایید که دولت ایران، به ویژه وزارت امور خارجه، برای روشن‌نگری این موضوع و مقابله با این اقدامات چه برنامه‌ها و اقداماتی انجام خواهد داد؟

پاسخ سؤال هجدهم:

وظیفه ما تبیین است؛ این یک وظیفه مشترک است که هم بر عهده وزارت امور خارجه، هم جامعه رسانه‌ای کشور و هم رسانه‌های بین‌المللی است که واقعاً به دنبال کشف حقیقت هستند. رسانه‌های بین‌المللی باید بتوانند خود را از فشار و اعمال نفوذ جریان‌های سیاسی که درصدد بهانه‌سازی برای مداخلات غیرقانونی هستند، رها کنند و بتوانند در برابر چنین فشارهایی خودشان را حفظ کنند.

موارد متعددی وجود دارد و یک نکته بسیار مهم، رسوا کردن منابعی است که این اطلاعات دروغ را تولید و ترویج می‌کنند. در برخی موارد گفته می‌شود که حتی برخی جناح‌های سیاسی در درون هیئت حاکمه آمریکا به دلیل کینه‌ای که نسبت به ایران دارند، در تولید این اطلاعات دروغ مشارکت دارند. برخی از دموکرات‌های تندرو با هدف تأثیرگذاری بر سیاست داخلی آمریکا و با توجه به اینکه انتخابات کنگره در پیش است، تلاش دارند با تزریق اطلاعات نادرست به بدنه تصمیم‌گیرنده هیئت حاکمه آمریکا، شرایطی را فراهم کنند که آمریکا دچار اشتباه محاسباتی شود و خود را درگیر منازعه در منطقه ما کند که قطعاً به نفع هیچ کس نخواهد بود. به زعم دموکرات‌ها، اولین قربانی چنین وضعیتی جمهوری خواهان خواهند بود و انتخابات مجلس آمریکا و دعوای جناحی داخلی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی سابقه طولانی در تولید اطلاعات دروغ دارد. بنابراین، وظیفه رسانه‌های داخلی و رسانه‌های بین‌المللی در تمیز دادن میان راست و ناراست بسیار مهم است.

سؤال نوزدهم:

دونالد ترامپ اعلام کرده است که یک ناوگان بزرگ دریایی آمریکا در مسیر ایران قرار گرفته است. ایران چگونه به آنچه به نظر یک تهدید می‌آید واکنش نشان خواهد داد، آن هم در زمانی که ناو هواپیمابر آمریکا، آبراهام لینکلن، در حال ورود به خاورمیانه است؟

پاسخ سؤال نوزدهم:

من در پاسخ به سؤال دیگری هم عرض کردم که ورود فلان ناو قرار نیست در اراده و جدیت ایران برای دفاع جانانه از کیان ایران اثری بگذارد. ما هم اراده این کار را داریم و هم توانمندی کامل برای دفاع از ایران، به پشتوانه مردمان و به پشتوانه تجربیاتی که در این چند دهه کسب کرده‌ایم. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با دقت هر تحرک و هر تحول را رصد می‌کنند و همزمان از هیچ ثانیه‌ای برای ارتقای توانمندی‌های خود در جهت صیانت از حاکمیت ملی، عزت ملی و امنیت ملی ایران فروگذار نمی‌کنند.

این نکته را هم عرض بکنم که گسیل نیرو به منطقه ما و تهدید، خلاف همه اصول و مبانی بین‌المللی است؛ اصولی که متأسفانه می‌دانیم طرف‌های آمریکایی نسبت به آن وقعی نمی‌گذارند، اما همین اصولی است که از کل جامعه بین‌المللی و از امنیت منطقه‌ای صیانت می‌کند. اگر این اصول زیر پا گذاشته شود، قطعاً ناامنی ناشی از آن متوجه همگان خواهد شد. به همین دلیل است که کشورهای همسایه، کشورهای منطقه و حتی کشورهای خارج از منطقه - آن‌هایی که برای صلح و امنیت بین‌المللی ارزش واقعی قائل هستند - نه فقط در اعلام مواضع، بلکه در عمل تلاش می‌کنند تا هیچ طرفی دچار اشتباه محاسباتی نشود.

سؤال بیستم:

شرایط به نظر شرایط جنگی است و هر آن ممکن است این فشار نظامی یا برای موضوع دیگری باشد یا واقعاً به حمله منجر شود. می‌خواستم بدانم وزارت امور خارجه آیا مذاکرات رسمی یا غیررسمی با آمریکا در خصوص احتمال حمله و جلوگیری از آن دارد یا خیر؟

پاسخ سؤال بیستم: سؤال شما متناقض است؛ شما می‌گویید طرف آرایش جنگی گرفته، بعد از من سؤال می‌کنید که آیا برای جلوگیری از جنگ وارد مذاکره با آمریکا می‌شوید. پاسخ در خود سؤال مستتر است. شما با طرفی می‌توانید وارد گفت‌وگو و مذاکره شوید که به دنبال جنگ و تقابل نباشد. موضع ما خیلی روشن است؛ ما هیچ وقت

از جنگ استقبال نکرده‌ایم و هیچ وقت از دیپلماسی و مذاکره رویگردان نبوده‌ایم. این را در عمل نشان داده‌ایم. مردم ما به عینه دیدند که حتی در شرایطی که خیلی‌ها باور داشتند مذاکره احتمال نتیجه دادن بسیار کمی دارد، پنج دور مذاکرات انجام شد.

این را باید همیشه گوشه ذهن داشته باشیم که طرفی که میز مذاکره را به هم زد و آن را به آتش کشید، طرف آمریکایی بود که با همدستی رژیم صهیونیستی این کار را انجام داد. بنابراین ما هم در دیپلماسی و مذاکره صداقت و جدیت داریم و هم در دفاع از خودمان جدی هستیم. مگر می‌شود در برابر تهدید و زیاده‌خواهی بایستیم و تماشا کنیم؟ قطعاً نیروهای مسلح ما با تمام توان در مقابل هرگونه تعرضی خواهند ایستاد و پاسخی پشیمان‌کننده خواهند داد. در سطح دیپلماسی نیز ما همه کارهایی را که ممکن است به عنوان بخشی از وظیفه وزارت امور خارجه انجام شود، هم طراحی کرده‌ایم و هم انجام داده‌ایم. تعاملات مختلفی با جهات مختلف منطقه‌ای و خارج از منطقه داشته‌ایم تا هیچ کشور مسئولی، هیچ کشوری که قائل به ضرورت صیانت از امنیت و صلح مردم خودش و منطقه است، از جنگ استقبال نکند. اما باز هم تأکید می‌کنم اگر جنگ تحمیل شود، شما گزینه‌ای جز ایستادگی نخواهید داشت و باید با تمام توان از کیان کشور دفاع کنید؛ این بخشی از وظیفه هر حاکمیتی است.

سؤال بیست و یکم:

اول اینکه آیا مذاکرات بین ایران و آمریکا می‌تواند موجب کاهش احتمال جنگ شود؟ و دوم اینکه برخی گفته‌اند اگر قرار باشد آمریکا و اسرائیل به ایران حمله کنند، ایران پیش‌دستانه حمله خواهد کرد یا نه؟

پاسخ سؤال بیست و یکم:

ببینید شما هیچ چیز را نمی‌توانید به صورت قطعی مفروض بگیرید که چه اتفاقی خواهد افتاد. من همان‌طور که در پاسخ به سؤال همکار قبلی عرض کردم، ما از توانمندی فوق‌العاده‌ای برای دفاع از خودمان برخوردار هستیم؛ بسیار آماده‌تر از گذشته، و دفاع از عزت، حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی ایران، مسئولیت و وظیفه ماست.

در مورد اینکه ما چگونه واکنش نشان خواهیم داد، خیلی روشن است؛ ما همان‌طور که قبلاً هم نشان دادیم، در برابر هر تعرضی و در برابر هر تهدیدی، به صورت قاطع، با تمام توان و به شکلی فراگیر، حتماً پاسخ خواهیم داد. در مورد جزئیات، قاعدتاً نه اینجا جایش هست و نه وظیفه تخصصی بنده است که درباره آن صحبت کنم. نیروهای مسلح ما به خوبی یاد گرفته‌اند که چگونه از حریم ایران دفاع کنند.

سؤال بیست و دوم:

برخی منابع و رسانه‌ها خبر دادند که سفیر انگلیس در چند روز گذشته در راستای فضا سازی و ناامن جلوه دادن ایران کشور را ترک کرده و پس از آن بی‌سر و صدا به کشور بازگشته است. آیا این رفت و آمد سفیر صحت دارد و در صورت تایید، واکنش وزارت خارجه نسبت به این اقدامات تحریک‌آمیز چیست و نیت فلان سفیر از این رفت و آمد چه بوده است؟

پاسخ سؤال بیست و دوم:

ما نیت خوانی نمی‌کنیم که بدانیم نیت فلان سفیر چیست.

سؤال بیست و سوم:

با توجه به اینکه آمریکا به نحوی تاکنون از نیروهای قسد حمایت می‌کرده، در این درگیری‌های اخیر جولانی و نیروهای کُرد، نظر وزارت امور خارجه در خصوص تحولات اخیر سوریه و نقش آمریکا چیست؟

پاسخ سؤال بیست و سوم:

اتفاقاتی که در سوریه در حال وقوع است موجب نگرانی است. ما همواره تأکید کرده‌ایم که حفظ تمامیت و یکپارچگی سرزمینی سوریه، احترام به حاکمیت ملی این کشور و اطمینان از اینکه سوریه مأمن و محملی برای رشد تروریسم و افراط‌گرایی نشود، از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. تحولات اخیر در یکی دو هفته گذشته، عبرت‌آموز هستند و برخی آن را به عنوان نمونه‌ای از بی‌وفایی یا خیانت آمریکا نسبت به دوستان سابقش در منطقه تفسیر کرده‌اند. برای منطقه و برای ما آنچه اهمیت دارد، امنیت و ثبات در منطقه غرب آسیا و شامات است، که متأسفانه همچنان در معرض انواع تعدیات از سوی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده قرار دارد؛ به ویژه به دلیل ادامه اشغالگری در سوریه و مداخلاتی که در این کشور اتفاق می‌افتد.

سؤال بیست و چهارم:

با توجه به اتفاقات اخیر در ونزوئلا و تحرکات آمریکا برای ایجاد آلترناتیو در هاوانا و گزارش رسانه‌ها درباره تلاش واشنگتن برای تغییر رژیم در کوبا تا پایان سال جاری، موضع جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدهای ایالات متحده در قاره آمریکای جنوبی چیست؟

پاسخ سؤال بیست و چهارم:

ما یک مواضع اصولی داریم فارغ از اینکه در کدام قاره و کشور صورت می‌گیرد، اعتقاد داریم احترام به حاکمیت ملی کشورها، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و خودداری از تهدید یا توسل به زور علیه کشورهای مستقل عضو سازمان ملل متحد، باید مبنای رفتارهای بین‌المللی کشورها قرار گیرد. برخی از این وضعیت به عنوان «گذار» استفاده می‌کنند، به نظرم این کلمه، کلمه‌ای خنثی است واقعیت آن است که ما با تلاش یک‌جانبه و یکسویه آمریکا برای برهم زدن مبانی و اصول بنیادین بین‌المللی مواجه هستیم و این وضعیت، منجر به هرج و مرج در سطح جهانی خواهد شد نه فقط در یک منطقه. این وضعیت مسئولیت سنگینی برای همه کشورها ایجاد می‌کند، چرا که بی‌تفاوتی یا صرفاً تماشای این اوضاعی که با آن مواجه هستیم، باعث متضرر شدن تمامی کشورها خواهد شد. کما اینکه کشورهای اروپایی به‌طور خاص همواره بر حاکمیت قانون تأکید داشتند، اکنون خودشان با تهدید علیه تمامیت سرزمینی‌شان مواجه هستند.

در رابطه با کوبا، کشوری مستقل است که بر اساس اراده مردم خود نوع حکومتش را تعیین کرده و طی ۵۰ تا ۶۰ سال گذشته تحت شدیدترین فشارها و تحریم‌های اقتصادی آمریکا قرار داشته است. هیچ کشوری مجاز نیست درباره نوع حکومت یا اعمال حاکمیت کشورهای دیگر تصمیم بگیرد.

پایان